



گفت‌وگوی
صبا با سید
شهاب‌الدین واجدی،
عکاس جنگ:

مجوز داشتیم اما راه نمی‌دادند

با نیروهای هلال احمر، آتش‌نشانی یا سایر نهادهای امدادی از محل حادثه مطلع می‌شدند و وقتی خبردار می‌شدیم، راه می‌افتادیم، به دلیل فاصله زیاد یا ترافیک سنگین، بخش مهمی از عملیات امداد و نجات به پایان رسیده بود و این موضوع کار مستندسازی را دشوار می‌کرد. وی افزود: «ما می‌خواستیم همه ابعاد ماجرا را ثبت کنیم. از آتش‌نشان‌ها و امدادگرانی که ساعت‌ها در میان آوار کار می‌کردند تا نیروهای مردمی و جهادی که برای کمک به آسیب‌دیدگان می‌آمدند. در کنار این موضوع، تجمعات مردمی، پرچم‌گردانی‌ها، مراسم تشییع شهدا، حضور خانواده‌ها در خیابان‌ها و نمایش همبستگی اجتماعی نیز برای ما اهمیت زیادی داشت.»

واجدی اذعان کرد: «یکی از ویژگی‌های مهم آن روزها حضور مردم در صحنه بود چرا که اجازه ندادند فضای ناامیدی حاکم شود. هر شب شاهد تجمعات و حضور گسترده مردم بودیم. این اتفاق باید ثبت می‌شد، چون بخشی از واقعیت آن روزها بود.»

شاید سخت‌ترین بخش گفت‌وگو زمانی است که واجدی از او با اشاره به لحظه‌هایی که احساسات انسانی بر وظیفه حرفه‌ای غلبه می‌کرد، گفت: «صحنه‌هایی بود که ادامه کار را بسیار دشوار می‌کرد. دیدن زنی که زیر آوار مجروح شده بود یا پیکر شهیدانی که تکه‌تکه از زیر آوار بیرون آورده می‌شدند، گاهی صدای گریه مادران یا خانواده‌هایی که در انتظار پیدا شدن عزیزانشان بودند، اجازه نمی‌داد روی کار تمرکز کنیم و واقعاً شرایط خیلی سخت بود.»

واجدی بیان کرد: «آنچه در آن روزها رخ داد صرفاً یک جنگ نبود، گاهی به جای عکاسی فقط کنار مردم می‌ایستادیم. به هر حال ما قبل از اینکه خبرنگار یا عکاس باشیم، انسان هستیم و بعضی صحنه‌ها آن قدر سنگین بود که نمی‌شد فقط از پشت لنز به آن نگاه کرد.»

وی ادامه داد: «قدرت یک کشور فقط به تجهیزات نظامی نیست. مهم‌ترین سرمایه هر کشور مردم آن هستند. اگر مردم کنار کشورشان بایستند، آن کشور قدرتمند خواهد بود و آنچه ما در آن روزها در خیابان‌ها می‌دیدیم فقط واکنش به یک حمله نظامی نبود؛ جلوه‌ای از مقاومت ملی بود و به همین دلیل معتقدم ما عکاس جنگ نبودیم؛ بلکه عکاس دفاعی مقدس بودیم.»

واجدی در پایان از افتتاح نمایشگاه عکسی با نام «تهران؛ خط مقدم مقاومت» خبر داد و افزود: آثار نمایش داده شده در این نمایشگاه حاصل تلاش آن روزهای خودم، مقداد مددی، محسن باغستانی و زینب بابامرادی است و تصویری جامع از روزهای جنگ تحمیلی سوم ارائه می‌کند.

نمایشگاه «تهران؛ خط مقدم مقاومت» تا ۲۵ خردادماه هر روز از ساعت ۱۰ تا ۱۹ در «بلدیه طهران» میزبان علاقه‌مندان خواهد بود.

وقتی از جنگ سخن گفته می‌شود، معمولاً ذهن‌ها به سمت عملیات‌های نظامی، حملات موشکی و درگیری‌های میدانی می‌رود، اما در کنار همه این اتفاقات، گروهی نیز حضور دارند که وظیفه‌شان ثبت تاریخ است؛ افرادی که با دوربین در میان دود، آوار، اشک و اضطراب حرکت می‌کنند تا لحظه‌هایی را ثبت کنند که بعدها به اسناد یک دوره تاریخی تبدیل می‌شود.

در روزهای جنگ تحمیلی سوم، تهران تنها پایتخت یک کشور نبود؛ شهری بود که هر روز در آن حادثه‌ای تازه رخ می‌داد. از حملات دشمن به مراکز مختلف گرفته تا مراسم تشییع شهدا، تجمعات مردمی، عملیات امدادرسانی و صحنه‌های تلخ و دردناکی که در گوشه و کنار شهر شکل می‌گرفت. سید شهاب‌الدین واجدی یکی از عکاسانی است که بخش عمده‌ای از آن روزها را با دوربین در خیابان‌ها، محل اصابت‌ها، گلزار شهدا و میان مردم سپری کرده است. او اکنون بخشی از آن تصویر را در نمایشگاه «تهران؛ خط مقدم مقاومت» در معرض دید عموم قرار داده؛ نمایشگاهی که تلاش می‌کند بخشی از واقعیت روزهای جنگ را روایت کند. در ادامه گفت‌وگو با این هنرمند عکاس را می‌خوانید.

ناصر ارباب
گفت‌وگو



بخشی از مسئولیت عکاسان بود؛ مسئولیتی که گاهی بسیار سنگین می‌شد. ما باید واقعیت را ثبت می‌کردیم. باید نشان می‌دادیم جنگ فقط یک خبر نیست. پشت هر موشک و هر انفجار، زندگی انسان‌هایی قرار دارد که همه چیزشان را از دست می‌دهند.»

این هنرمند عکاس توضیح داد: «یکی از بزرگ‌ترین مشکلات خبرنگاران و عکاسان در آن روزها، نبود هماهنگی میان دستگاه‌های مختلف بود. ما مجوز رسمی داشتیم اما در بسیاری از مواقع این مجوزها پذیرفته نمی‌شد. کارت خبرنگاری داشتیم، معرفی‌نامه داشتیم، مجوز رسانه داشتیم اما بعضی از نیروهای حاضر در صحنه آن‌ها را قبول نمی‌کردند.»

وی افزود: «حتی گاهی پیش می‌آمد مجوزی که از یک نهاد رسمی صادر شده بود، توسط نیروهای همان مجموعه در محل حادثه پذیرفته نمی‌شد. این اتفاق باعث می‌شد زمان زیادی از دست برود و به نظرم نبود یک مرکز واحد رسانه‌ای از ضعف‌های مهم مدیریت بحران در آن روزها بود. اگر یک مرجع واحد وجود داشت که همه دستگاه‌ها آن را به رسمیت می‌شناختند، بسیاری از مشکلات حل می‌شد. چرا که خبرنگار نباید در شرایط بحران نگران این باشد که آیا اجازه ورود پیدا می‌کند یا نه.»

واجدی با اشاره به این که یکی دیگر از مشکلات، نبود سامانه دقیق اطلاع‌رسانی برای رسانه‌ها بود گفت: «در بسیاری از مواقع اصلاً نمی‌دانستیم کجا مورد اصابت قرار گرفته است و بسیاری از عکاسان از طریق ارتباط

واجدی درباره نخستین روزهای جنگ و تصمیم خود برای حضور در میدان گفت: «روزهای اول جنگ مانند بسیاری از مردم درگیر مسائل و گرفتاری‌های مختلف بودم. هنوز ابعاد ماجرا برای همه روشن نشده بود و بسیاری تصور می‌کردند اتفاقات محدود خواهد بود. اما سحرگاه روز دوم، زمانی که خبر شهادت رهبر انقلاب منتشر شد و اعلام کردند مردم برای عزاداری خیابانی در میدان انقلاب حضور پیدا کنند، احساس کردم باید دوربینم را بردارم و به دل ماجرا بروم.»

او ادامه داد: «از همان روزها روندی آغاز شد که نزدیک به چهار روز ادامه پیدا کرد؛ روزهایی که خواب و استراحت برای بسیاری از خبرنگاران و عکاسان به حداقل رسید. در بسیاری از شب‌ها یا اصلاً نمی‌خوابیدیم یا بسیار کم می‌خوابیدیم. هر لحظه ممکن بود خبر جدیدی برسد. گاهی نیمه‌شب تماس می‌گرفتند و می‌گفتند نقطه‌ای از شهر مورد حمله قرار گرفته است. دوربین را برمی‌داشتیم و راهی می‌شدیم.»

واجدی اظهار کرد: «وقتی به محل اصابت می‌رسیدیم، فقط یک ساختمان تخریب شده نمی‌دیدیم. با زندگی‌هایی روبه‌رو می‌شدیم که در چند ثانیه دگرگون شده بودند. خانه‌ای که تا چند ساعت قبل محل زندگی یک خانواده بود، حالا به تلی از خاک و آهن تبدیل شده بود. اسباب‌بازی کودکی زیر آوار مانده بود، عکس‌های خانوادگی در میان خاک پخش شده بود و مردم با ناپاوری به ویرانه‌هایی نگاه می‌کردند که تا ساعتی قبل خانه‌شان بود.»

وی اذعان داشت: «ثبت چنین صحنه‌هایی



کتابگردان محمد پایدار
تهیه‌کننده محمد جواد موحد

تاکسیدوژی

هم اکنون در
سینماهای
سراسر کشور

